

نگاهی به جایگاه مولویان در حفظ زبان فارسی در دوره عثمانی

بهرام کارجو اجیرلو**

چکیده

طریقت مولویه، به عنوان یکی از مهم ترین و تأثیرگذارترین طریقت های صوفیانه در قلمرو دولت عثمانی، جایگاهی ویژه در ساختار مذهبی و فرهنگی این امپراتوری داشت. یکی از مهم ترین عناصر در این طریقت، زبان فارسی بود. زبان فارسی به عنوان زبان آثار مولانا جلال الدین رومی، در مولوی خانه های دوره عثمانی دارای جایگاه مهمی بود. این زبان، ابزار اصلی بیان و درک مفاهیم عمیق عرفانی آثار مولانا به شمار می رفت و فهم دقیق این متون مستلزم تسلط بر زبان فارسی بود. در همین راستا، مولویان با آگاهی از ضرورت حفظ زبان فارسی، نقش اساسی و تأثیرگذاری در فعالیت های علمی و فرهنگی برای پاسداشت این زبان ایفا کردند. مقاله حاضر با بهره گیری از روش تحلیل محتوایی و مطالعات تاریخی، به بررسی جایگاه مولویان در حفظ زبان فارسی در دوره عثمانی می پردازد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که گروهی از مولویان برجسته، از جمله شیخ اسماعیل رسوخی آنقروی، در راستای دفاع و پاسداری از زبان فارسی، به فعالیت های علمی، آموزشی و فرهنگی گسترده ای دست زدند. این اقدامات، نه تنها در چارچوب طریقتی و معنوی مولویه معنا می یافت، بلکه تلاشی آگاهانه برای حفظ زبانی بود که آثار مولانا با آن نگاشته شده و حامل اندیشه های ژرف عرفانی او بود. همچنین شخصیت هایی چون شیخ محمد اسعد دده، طاهر المولوی و محمد وگد چلبی ایزبوداق، با تألیف آثار آموزشی و دستور زبانی فارسی، نقش مؤثری در زنده نگه داشتن زبان فارسی در مولوی خانه های قلمرو عثمانی ایفا کردند. این پژوهش بر آن است تا جایگاه و نقش طریقت مولویه را در صیانت از زبان فارسی، به مثابه یکی از عناصر کلیدی میراث فرهنگی و معنوی مولانا، تبیین و تحلیل نماید.

کلید واژگان: مولویان، مولانا، زبان فارسی، مولوی خانه ها، دوره عثمانی.

** دکتری تاریخ و تمدن، دانشگاه تهران، ایران، ایمیل: bahramkarju.93@ut.ac.ir

Osmanlı Döneminde Mevlevîlerin Farsçayı Koruma Rollerine Üzerine Bir İnceleme

Bahram Karju Ajrlu^{††}

ÖZ

Osmanlı Devleti sınırları içinde en etkili ve önemli tasavvufî yapılar arasında yer alan Mevlevîlik tarikatı, dinî ve kültürel hayatın şekillenmesinde özgün bir konuma sahipti. Bu tarikatın en belirgin unsurlarından biri, Mevlânâ Celâleddîn-i Rûmî'nin eserlerinin dili olan Farsçaydı. Mevlevîhânelerde Farsça, yalnızca bir iletişim aracı değil; Mevlânâ'nın derin tasavvufî düşüncelerini anlamada vazgeçilmez bir vasıta olarak görülmekteydi. Dolayısıyla bu metinlerin doğru şekilde kavranabilmesi, Farsça bilgisine hâkimiyeti gerekli kılmaktaydı. Bu bağlamda Mevlevîler, Farsçanın korunması gerektiği yönündeki bilinçle hareket ederek, bu dili yaşatmaya yönelik çeşitli ilmî ve kültürel faaliyetlerde etkin roller üstlenmektedir. Bu makalede, içerik analizi yöntemi ve tarihsel veriler ışığında, Osmanlı döneminde Mevlevîlerin Farsçanın muhafazası konusundaki katkıları incelenmektedir. Araştırma bulguları, özellikle Şeyh İsmail Resûhî Ankaravî gibi önde gelen Mevlevîlerin Farsçayı savunmak ve yaşatmak amacıyla kapsamlı ilmî, eğitsel ve kültürel çalışmalar yürüttüklerini göstermektedir. Bu faaliyetler, yalnızca tarikat içi bir çaba olarak değil, aynı zamanda Mevlânâ'nın eserlerinin orijinal dilinin korunmasına yönelik bilinçli bir irade olarak değerlendirilmektedir. Ayrıca, Şeyh Muhammed Es'ad Dede, Tâhirü'l-Mevlevî ve Muhammed Veled Çelebi İzbudak gibi isimler, Farsça gramerine dair eserler kaleme alarak Osmanlı coğrafyasındaki Mevlevîhânelerde bu dilin canlılığını sürdürmesine önemli katkılar sunmuşlardır. Bu çalışma, Mevlevîliğin Farsçayı koruma yönündeki rolünü, Mevlânâ'nın kültürel ve manevî mirasının temel unsurlarından biri bağlamında analiz etmeyi amaçlamaktadır.

Anahtar Kelimeler: Mevlevîler, Mevlânâ, Farsça, Mevlevîhâneler, Osmanlı Dönemi.

^{††} Dr., İran - Tahran. bahramkarju.93@ut.ac.ir

مقدمه

فضای امن و دانش‌پرور آناتولی در سده هفتم قمری/سیزدهم میلادی، سبب مهاجرت خاندانی همچون بهاء‌الدین سلطان‌العلما (پدر مولانا)، نجم‌الدین رازی، اوحدالدین کرمانی، فخرالدین عراقی و دیگر اندیشمندان به این سرزمین بود. پیش‌تر، در سده پنجم قمری/یازدهم میلادی و هم‌زمان با گسترش فتوحات نظامی و سیاسی سلجوقیان در آناتولی و آسیای صغیر، زبان و ادب فارسی نیز آرام‌آرام در این سرزمین ریشه دوانده بود. با ظهور مولانا در قونیه و تصنیف مثنوی معنوی، زبان فارسی جایگاهی بلند در میان شاعران آن دیار یافت و به تدریج زبان فارسی در کنار زبان ترکی به زبان شعر و ادب بدل شد. در دوره عثمانی، این میراث ارزشمند با تکیه بر مولوی‌خانه‌ها و همگام با جریان عرفان اسلامی، گام‌به‌گام به سوی کمال رفت. پیدایش طریقت مولویه و تاسیس مولوی‌خانه‌ها در سراسر قلمرو عثمانی، پایه‌های استواری برای ادبیات مولویه در آن سرزمین بنا نهاد.

طریقت مولویه با تکیه بر نهاد آموزشی و فرهنگی مولوی‌خانه‌ها، در تداوم و گسترش ادبیات مولویه به دو زبان فارسی و ترکی نقش مهمی را ایفا کرد. با گسترش قلمرو دولت عثمانی، هرچند زبان ترکی عثمانی رسمیت یافت، اما زبان فارسی همچنان به عنوان زبان مولانا، مثنوی و غزل‌های او نزد پیروان و دوستدارانش ارج و منزلت خود را حفظ کرد. در مولوی‌خانه‌های سراسر قلمرو عثمانی، خواندن مثنوی معنوی و غزل‌های مولانا از ارکان سنت طریقت مولویه به‌شمار می‌رفت؛ چنان‌که زبان فارسی برای پیروان این طریقت، جایگاه مقدسی داشت. برای درک ژرفای اندیشه‌های مولانا، علاقه‌مندان با شور و اشتیاق به آموختن زبان فارسی می‌پرداختند و در سایه این تأثیر عمیق، شاعران مولوی‌مشرب به هر دو زبان فارسی و ترکی شعر می‌سرودند.^۷ زبان فارسی، به‌ویژه از رهگذر سنت مثنوی‌خوانی، وعظ،

^۷ آبدین، عناصر فرهنگ و ادب ایرانی در شعر عثمانی (از سده نهم تا دوازدهم ق.)، ص ۲۵.

تعلیمات عرفانی و شعرخوانی، حضوری پررنگ در محافل مولوی‌خانه‌ها داشت.^۸

در دوره عثمانی، مشایخ و اندیشمندان مولویه در مولوی‌خانه‌های سراسر قلمرو این دولت نقشی اساسی در حفظ و گسترش زبان فارسی ایفا کردند. این مراکز معنوی و آموزشی، نه تنها جایگاه پرورش سالکان طریقت مولویه بودند، بلکه به کانون‌هایی پویا برای فعالیت‌های ادبی، زبانی و فرهنگی بدل شدند. در مولوی‌خانه‌ها، سنت مثنوی‌خوانی جایگاهی محوری داشت و پیرامون آن، شرح‌ها و تفاسیر متعددی به دو زبان فارسی و ترکی نگاشته شد. این شرح‌ها نه تنها به تبیین آموزه‌های عرفانی مولانا می‌پرداختند، بلکه به عنوان منابع آموزشی برای زبان فارسی نیز به کار می‌رفتند. افزون بر این، بسیاری از آثار ادبی جدید، به زبان فارسی یا ترکی و تحت تأثیر سبک و محتوای آثار مولانا تألیف شد. مولویان با نگارش رساله‌ها و تدوین متون آموزش زبان فارسی به درک عمیق آثار مولانا کمک کردند. در همین راستا، کتاب‌هایی با عنوان دستور زبان فارسی نیز برای آموزش این زبان در مولوی‌خانه‌ها تدوین گردید. از جمله برنامه‌های ثابت محافل و مجالس مولویان، می‌توان به قرائت، شرح و ترجمه مثنوی معنوی، گلستان و بوستان سعدی، و دیوان حافظ اشاره کرد.^۹

اهمیت زبان فارسی در مولویه

آموزش زبان فارسی، به دلیل نقش اساسی آن در درک بهتر میراث ادبی مولانا، از دوران عثمانی در مولوی‌خانه‌ها به یک سنت پایدار تبدیل شده بود. این روند که در آن زمان برای حفظ و انتقال آموزه‌های عرفانی و اشعار فارسی مولانا ضروری تلقی می‌شد، نه تنها موجب گسترش زبان فارسی در میان درویشان و اهل تصوف شد، بلکه به مرور زمان به یکی از ارکان آموزش در مراکز علمی و فرهنگی تبدیل گردید.

^۸ ستایشگر، رباب رومی (مولانا و موسیقی)، ص ۸۴۶؛ ترکان پارسی‌گوی بخشندگان عمرند/ساقی بشارتی ده پیران پارسا را (حافظ، دیوان، غزل شماره ۵).

^۹ گلشنی، فرهنگ ایران در قلمرو ترکان، ص ۴۱.

امروزه نیز این سنت در برخی از مولوی‌خانه‌ها، همچون مولوی‌خانه بورسه، ادامه دارد و علاقه‌مندان به فرهنگ و ادب فارسی را به یادگیری این زبان ترغیب می‌کند. برگزاری کلاس‌های آموزش زبان فارسی، جلسات شرح و تفسیر اشعار و حتی مراسم سماع، همگی نشان از استمرار این پیوند معنوی میان زبان فارسی و اندیشه‌های مولوی در مولوی‌خانه‌های امروز دارند.^{۱۰} از مهم‌ترین و نخستین کارهایی که درویش پس از پذیرفتن طریقت مولویه و ورود به مولوی‌خانه انجام می‌داد، چله‌نشینی هزار و یک شبانه روز تحت نظارت دده‌ها بود. در کنار این، یکی از وظایف اساسی درویش، یادگیری زبان فارسی بود که تا پایان این چله به او آموزش داده می‌شد. در دوره یادگیری زبان فارسی، آثار مولانا، به‌ویژه مثنوی معنوی، به عنوان متن اصلی تدریس می‌شد و مبنای آموزش زبان فارسی قرار داشت. همچنین، به منظور آشنایی درویش چله‌کش با تاریخ و فرهنگ طریقت مولویه، کتاب *مناقب العارفین* که به زبان فارسی بود، با درویش خوانده می‌شد.^{۱۱} از آنجا که آثار مولانا به زبان فارسی نگاشته شده بود، یادگیری زبان فارسی برای مولویان اهمیت زیادی داشت. آموزش و تعلیم زبان فارسی از اصول و ملزومات بنیادین در مولوی‌خانه‌ها به شمار می‌رفت و همواره مورد توجه ویژه مولویان قرار داشت.^{۱۲}

در مولوی‌خانه‌ها، مولویان به خواندن و تفسیر آثار فارسی مولانا، به‌ویژه مثنوی معنوی می‌پرداختند. هر مولوی‌خانه در سراسر قلمرو عثمانی نه تنها مکانی برای قرائت و شرح مثنوی محسوب می‌شد، بلکه با آغاز سده نوزدهم میلادی، علاقه به میراث ادبیات فارسی افزایش یافت و آثار مولوی و سایر متون ادبی فارسی در مراکز علمی و معنوی متعددی خوانده می‌شدند. از جمله مهم‌ترین این مراکز، دارالمثنوی‌ها بودند که به‌ویژه برای افرادی که امکان حضور در مولوی‌خانه‌ها را نداشتند، تأسیس گردیدند و برای آموزش و یادگیری مثنوی و زبان فارسی به غیرمولویان و پیروان

^{۱۰} این گزارش براساس مشاهده مستقیم نگارنده و مصاحبه با دکتر محمد چلنک، استاد زبان فارسی در مولوی‌خانه بورسه بیان شده است.

^{۱۱} Özer, *Mevlevilik Kültürü*, 284.

^{۱۲} اسرار دده، تذکره، ص ۱۱۲.

دیگر طریقت‌ها اختصاص یافته بودند. آخرین دارالمثنوی در تاریخ ۹ محرم ۱۲۶۰ق. ۳۰/ ژانویه ۱۸۴۴م. با حضور سلطان عبدالمجید در خانقاه ملا مراد استانبول افتتاح شد و جودت پاشا از جمله افرادی بود که در این مکان به خواندن مثنوی می‌پرداخت.^{۱۳}

جایگاه شیخ اسماعیل رسوخی آنقروی در دفاع و حفظ زبان فارسی

در سده یازدهم قمری/هفدهم میلادی جنبش قاضی‌زاده‌لی‌ها در استانبول تحت تأثیر اندیشه‌های تصوف‌ستیزانه با هدف مبارزه با بدعت و اصلاح دینی ظهور کرد. قاضی‌زاده‌لی‌ها با نفوذ در دولت عثمانی، رفتارهای خصمانه‌ای بر ضد صوفیان و به ویژه مولویان در پیش گرفتند. آنها بر این باور بودند که اسلام صوفیانه دور از اسلام راستین است و مولویان در اسلام با اعمالی همچون سماع و رقص دچار بدعت و کفر شده‌اند و عمده مشکلات دولت عثمانی نیز ناشی از این بدعت‌ها است. در چنین شرایطی بود که مولویان برای مقابله با این اندیشه افراطی و به ناگزیر، به دفاع از میراث فرهنگی مولانا پرداختند. در سده یازدهم قمری، کتاب برگوی با عنوان طریقت محمدیه که بر اساس تعالیم مذهبی ابن تیمیه نگاشته شده بود،^{۱۴} اساس فعالیت‌های مذهبی - سیاسی برخی شاگردان و واعظان هوادار او قرار گرفت. آنها با اتکاء بر آموزه‌های برگوی در این کتاب و با ظاهری حق‌طلبانه، در عین حال منافع شخصی خود را پیگیری می‌کردند.^{۱۵} این واعظان عمدتاً در استانبول و در دوران زمامداری سلطان مراد چهارم (حک: ۱۰۳۲-۱۰۴۹ق. / ۱۶۲۳-۱۶۶۰م.)، سلطان ابراهیم یکم (حک: ۱۰۴۹-۱۰۵۸ق. / ۱۶۴۰-۱۶۴۸م.) و سلطان محمد چهارم (حک: ۱۰۵۸-۱۰۹۹ق. / ۱۶۴۸-۱۶۸۷م.) اندیشه‌های برگوی را اساس و سرلوحه‌ی خود

^{۱۳} Arpaguş, *Mevlevilikte Ma'nevi Eğitim*, 223-225; Ösen, *Türk Eğitim Tarihi İçerisinde Mevlevîhanelerin Yeri*, 262; Ergin, *Türk maarif tarihi*, 154; Elibol, *Mevlâna ve Mevlevilik*, Konya, 157.

^{۱۴} نعیم، تاریخ نعیم، ج ۶، ص ۲۲۸-۲۲۹.

Yurdaydın, "Türkiye'nin Din Tarihine Umumi Bir Bakış", 116-120.

^{۱۵} قاضی‌زاده‌لی‌ها عقایدی تنگ‌نظرانه و تعصب‌آلود داشتند و با عوام‌فریبی و ایجاد جار و جنجال در پی به دست‌آوردن منافع غیرمشروعشان بودند (اوزون چارشلی، تاریخ عثمانی، ج ۳، ص ۴۶۹).

قرار دادند و با هدف اصلاح دین به ویژه جدال با اهل طریقت و بدعت جنبشی را به راه انداختند. در این میان، طریقت مولویه بیش از طریقت‌های دیگر هدف حملات آنها قرار گرفته بود. با توجه به اینکه پیشگام و به تعبیری بنیان‌گذار این جنبش فردی به نام قاضی‌زاده محمد افندی (د. ۱۰۴۵ق. / ۱۶۳۵م.) بود، طرفداران آن به او منسوب شدند و به «قاضی‌زاده‌لی‌ها» (قاضی‌زاده‌لی‌لر/منسوبان به قاضی‌زاده و هواداران و طرفداران وی) مشهور شدند. این جنبش در دوره‌های بعد رهبری اسطوانی محمد افندی (د. ۱۰۷۲ق. / ۱۶۶۱م.) و وانی محمد افندی (د. ۱۰۹۶ق. / ۱۶۸۵م.) استمرار یافت. ابوبکر چلبی^{۱۶} برای مقابله با اندیشه‌های ضد تصوف قاضی‌زاده‌لی‌ها و حفظ میراث فرهنگی مولانا توانست شاگردان و مریدان با درایتی همچون اسماعیل رسوخی آنقروی (شیخ مولوی‌خانه غلطه) و صبحی احمد دده (شیخ مولوی‌خانه ینی‌قاپی) را راهنمایی کند که بعد از وی نقش مهمی در مقابله با اندیشه قاضی‌زاده‌لی‌ها در رأس مولویان ایفا کردند.^{۱۷}

یکی از مسائلی که گروه‌های متصوف و طریقت‌ها در دوران بسط نفوذ قاضی-زاده‌لی‌ها با آن مواجه شدند، این بود که قاضی‌زاده محمد افندی کسانی را که از اندیشه‌های او پیروی نمی‌کردند، زندیق می‌نامید. او در وعظ‌های خود مولویان را به سبب اجرای مراسم سماع و رقص در مجالس وعظ و آتارش مورد انتقاد شدید قرار می‌داد،^{۱۸} لباس مخصوص مولویان، سلام مولوی، موسیقی و دف نواختن را بدعت می‌شمارد و پیروان طریقت مولویه را اهل بدعت می‌نامید. همچنین مهم‌ترین کتاب مولویان یعنی *مثنوی معنوی* مولانا و زبان فارسی را به باد انتقاد می‌گرفت. با همه این اوصاف و تنگناهای پیش آمده برای هواداران طریقت مولویه، شیخ اسماعیل

^{۱۶} ابوبکر چلبی پس از تبعید به استانبول، با درک مناسب از شرایط زمانی برآن شد تا برای استمرار این طریقت در غربت و تبعید نیز از تلاش نایستند. او که در زاویه عمارت بایرام پاشا در استانبول سکنی گزیده بود و تا ۱۰۵۲ق. / ۱۶۴۲م. و زمان مرگش در آنجا بود (آق‌یورک، *تاریخچه أقطاب*، ص ۸-۹).

^{۱۷} آنقروی، *جامع‌الآیات*، برگه اسکن ۵.

Ceyhan, İsmail *Ankaravi ve Mesnevi Şerhi*, 166.

^{۱۸} کاتب چلبی، *میزان الحق فی اختیار الأحق*، ص ۱۱۲؛ همو، *فایلکه*، ج ۲، ص ۱۸۳.

رسوخی آنقروی، شیخ مولوی‌خانه غلطه، پیشگامی مولویان در مجادله با افکار و اندیشه‌های قاضی‌زاده را عهده‌دار شد.^{۱۹}

آنقروی در عین صوفی‌مسلك بودن، به واسطه تحصیلاتش بر مسائل دینی، شرعی و فقهی اشراف زیادی داشت.^{۲۰} با التزام به عقیده اهل سنت و با تکیه بر آیات، احادیث، اشعار مثنوی و شواهد و دلایل عقلی، در سطحی گسترده و متهورانه و به شکلی مؤثر به رد انتقادات قاضی‌زاده‌لی‌ها از آداب و ارکان مولویه پرداخت.^{۲۱} این اقدامات آشکار آنقروی موجب شد تا وی به شیخی قابل اعتنا و اتکاء در دفاع از ارزش‌ها و باورهای طریقت مولویه در مقابل حملات قاضی‌زاده‌لی‌ها تبدیل شود. از این رو، بنابر گزارش منابع، قاضی‌زاده‌لی‌ها از او به شدت متفر بودند و آشکارا و بدون هیچ ابایی او را کافر و زندیق می‌خواندند.^{۲۲}

از فعالیت‌های مهم قاضی‌زاده‌لی‌ها علیه مولویان، تخریب مثنوی معنوی مولانا و زبان فارسی بود؛ تا جایی که باور داشتند «زبان فارسی زبان اهل جهنم است» و براین نظر بودند که مثنوی‌خوان باید به جای مثنوی به نقل حدیث شریف و وعظ و نصیحت بپردازد.^{۲۳} در چنین شرایطی بود که آنقروی آثار و فعالیت‌های علمی خود را در جهت دفاع از مثنوی معنوی و زبان فارسی برای مقابله با اندیشه قاضی‌زاده‌لی‌ها را به صورت جدی پیش برد. او برای تأثیرگذاری بر جامعه و دولتمردان عثمانی و محکوم کردن اندیشه‌های قاضی‌زاده‌لی‌ها، به شرح مثنوی معنوی مولانا به زبان ترکی اقدام کرد. به بیان دیگر، اشعار مولانا را به زبان ترکی ساده شرح داد تا کسانی

^{۱۹} قاضی‌زاده، علم حال، ص ۶۶-۶۷؛

Ceyhan, İsmail Ankaravi ve Mesnevi Şerhi, 113-131.

^{۲۰} اسرار دده آنقروی را با عنوان «حضرت شارح افتدی» در دیوان خود وصف کرده است. بنگرید به: اسرار دده، دیوان، ص ۱۳.

^{۲۱} شیخی، وقایع الفضلاء، ص ۵۳-۵۴؛

Ceyhan, İsmail Ankaravi ve Mesnevi Şerhi, 113-131

^{۲۲} کاتب چلبی، میزان الحق فی اختیار الأحق، ص ۱۱۲؛ همو، فنلکه، ج ۲، ص ۱۸۳.

^{۲۳} آنقروی، شرح حدیث أربعین، ص ۲؛

Ankaravi, Şerh-i ehadis-i erbain-Hadislerle Tasavvuf ve Mevlevi Erkanı, 34-46; Bilkan, Fakihler ve Sofuların Kavgası 17. Yüzyılda Kadızadeliler ve Sivāsiler, 133; Tonga, Osmanlı'nın Paralel Devleti Kadızadeliler, 156.

که تحت تاثیر اندیشه‌های قاضی‌زاده‌لی‌ها قرار گرفته بودند، با خواندن آنها به محتوای مثنوی معنوی پی ببرند که رسیدن به عشق حقیقی بود.^{۲۴}

آنقروی همچنین در کتاب شرح چهل حدیث از مثنوی معنوی و زبان فارسی دفاع می‌کند که مثنوی معنوی مولوی کتاب مرجع مولویان است و فارسی بودن زبان کتاب مولانا که بیشتر انسانیت، انسان کامل و رسیدن به حق را مورد توجه قرار داده است، تضادی با دیدگاه‌های سنت پیامبر و قرآن کریم ندارد؛ بلکه در اسلام جز زبان عربی، سایر زبان‌های اقوام و ملل به منظور ارتباط و تعامل مورد توجه قرار گرفته است. او در مقابله و رد اندیشه‌های قاضی‌زاده‌لی‌ها با استدلال و با تکیه بر آیات و احادیث نبوی به دفاع از مثنوی معنوی مولانا و زبان فارسی پرداخته و آن را زبان ادبی بافضیلتی نشان داده است.^{۲۵}

تالیف آثار آموزش زبان فارسی از سوی مولویان

در مولوی‌خانه‌های قلمرو عثمانی، برخی از مشایخ و دده‌های طریقت مولویه در مسیر فراگیری، مطالعه و درک عمیق آثار مولانا و دیگر متون برجسته ادبی فارسی، به تألیف آثاری تخصصی در حوزه دستور زبان فارسی و آموزش این زبان مبادرت ورزیدند. این تألیفات که عمدتاً در قالب کتاب‌ها و رساله‌های آموزشی شکل گرفت، نقش کلیدی و بی‌بدیلی در حفظ، تداوم و گسترش زبان فارسی در میان پیروان طریقت مولویه ایفا نمودند. این متون آموزشی نه تنها در فرآیند یادگیری زبان فارسی اثرگذار بودند، بلکه به عنوان ابزاری برای انتقال فرهنگ و معارف عرفانی مولوی به شمار می‌آمدند و به ادب و عرفان در ساختار فرهنگی عثمانی کمک کردند. برای درک بهتر نمونه‌هایی از این تألیفات ارزشمند و نشان دادن سهم برجسته مشایخ مولوی در تدریس، آموزش و ترویج زبان فارسی در مولوی‌خانه‌ها در ذیل به صورت مطالعه موردی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

^{۲۴} درباره چگونگی شرح مثنوی معنوی مولانا بنگرید به: (آنقروی، شرح مثنوی، شماره ثبت ۲۴۰۶۲۱).

^{۲۵} آنقروی، شرح حدیث اربعین، ص ۳.

۱. شیخ محمد اسعد دده

محمد اسعد دده، از شارحان برجسته مثنوی معنوی، در سال ۱۲۵۷ ق. / ۱۸۴۱ م. در شهر سلانیک متولد شد.^{۲۶} وی در ۱۲۸۰ ق. / ۱۸۶۳ م. به استانبول مهاجرت کرد و پس از پیروی از شیخ عثمان صلاح‌الدین دده، به مقام پوست‌نشینی مولوی‌خانه ینی‌قاپی رسید. همچنین، از سوی حسن حسنی دده، شیخ مولوی‌خانه اسکی‌شهر، مقام خلافت دریافت نمود. محمد اسعد دده در مدارس معتبر استانبول مانند مدارس داود پاشا، محمودیه و نمونه ترقی به تدریس زبان فارسی مشغول بود. علاوه بر آن، در مسجد جامع فاتح به آموزش و تدریس آثار برجسته ادبی فارسی از جمله مثنوی معنوی مولانا، دیوان حافظ، گلستان و بوستان سعدی شیرازی و همچنین پند عطار نیشابوری پرداخت. دو سال پیش از درگذشت، در مولوی‌خانه قاسم‌پاشا به مقام مثنوی‌خوانی منصوب شد. محمد اسعد دده در سال ۱۳۲۹ ق. / ۱۹۱۱ م. دار فانی را وداع گفت و در حظیره مولوی‌خانه قاسم‌پاشا به خاک سپرده شد.^{۲۷} اسعد محمد دده یکی از برجسته‌ترین مولویان و استادان طریقت مولویه بود که نقش مهمی در آموزش زبان فارسی ایفا کرد. او علاوه بر تدریس منابع ادبی مهم و مرجع، به شرح و تفسیر دقیق ۳۶۰ بیت از جلد نخست مثنوی معنوی مولانا پرداخت و بدین‌سان زمینه فهم عمیق‌تر این اثر فاخر را برای شاگردان و علاقه‌مندان فراهم ساخت. محمد اسعد دده در عرصه آموزش زبان فارسی نیز فعالیت‌های چشمگیری داشت و برای ارتقای سطح دانش زبان‌آموزان و علاقه‌مندان به زبان فارسی، آثاری تألیف نمود. کتاب نمونه قواعد فارسی یکی از آثار مهم اسعد دده است که به طور تخصصی به قواعد و دستور زبان فارسی می‌پردازد و برای استفاده علاقه‌مندان به آثار ادبی تألیف شده است کرد تا با یادگیری دستور زبان فارسی درک بهتری از محتوای آثار مولانا داشته باشد.^{۲۸}

^{۲۶} بروسلی، عثمانلی مولفعلری، ج ۲، ص ۸۷

Tatçı ve Kurnaz, "Mehmed Esad Dede", Cilt. 28, 469-470.

^{۲۷} بروسلی، عثمانلی مولفعلری، ج ۲، ص ۸۷

^{۲۸} اسعد دده، نمونه قواعد، ص ۶-۱۴؛ بروسلی، عثمانلی مولفعلری، ج ۲، ص ۸۷

۲. طاهر المولوی

طاهر المولوی از جمله شخصیت‌های برجسته طریقت مولویه در اواخر دوره عثمانی است که نقش مهمی در حفظ و گسترش زبان و ادب فارسی ایفا کرد. وی در سال ۱۲۹۴ق./۱۸۷۷م. در استانبول دیده به جهان گشود. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، وارد مشاغل نظامی شد. با این حال، علاقه‌اش به عرفان و ادبیات فارسی او را به محافل معنوی مولوی‌خانه‌ها کشاند. طاهر المولوی از محضر محمد اسعد دده، مثنوی‌خوان و استاد برجسته زبان فارسی، بهره‌مند شد و اجازه‌نامه رسمی تدریس و قرائت مثنوی معنوی را از او دریافت کرد. در سال ۱۳۱۱ق./۱۸۹۴م.، به طریقت مولویه پیوست و پیرو شیخ جلال‌الدین دده، پوست‌نشین مولوی‌خانه ینی‌قاپی شد.^{۲۹} او در سال ۱۳۱۹ق./۱۹۰۳م. به فعالیت‌های آموزش زبان فارسی پرداخت و در مدارس همچون مدرسه برهان ترقی و رهنمای فیوضات به تدریس زبان فارسی اشتغال یافت. طاهر المولوی در کنار تدریس، به تألیف آثاری در زمینه میراث ادبی مولانا نیز پرداخت که سهمی قابل توجه در معرفی، حفظ و اشاعه آثار مولوی در فضای فرهنگی عثمانی و جمهوری ترکیه داشت. وی سرانجام در سال ۱۳۷۰ق./۱۹۵۱م. در استانبول درگذشت و از خود میراثی علمی و فرهنگی به یادگار نهاد.^{۳۰}

از آثار مهم طاهر المولوی می‌توان به شرح مثنوی معنوی مولانا اشاره کرد که نشان‌دهنده عمق آشنایی او با مبانی عرفان و ادب فارسی است. افزون بر آن، وی در زمینه آموزش و دستور زبان فارسی نیز آثاری پدید آورد که از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. از جمله این آثار می‌توان به کتاب‌هایی چون *آموزگار فارسی*، *دست‌آویز فارسی‌خوانان* و *درس‌های مثنوی* اشاره کرد. این آثار نه تنها به عنوان منابع

Tatcı ve Kurnaz, "Mehmed Esad Dede", Cilt. 28, 469-470; Temizel, *Mevlâna Çevresindeki-ler, Mevlevîlik ve Eserleriyle İlgili Eski Harfli Türkçe Eserler*, 177-178.

²⁹ Okay, "Osmanlı'da Mesnevîhanlık Geleneği ve Son Mesnevîhanlardan Tahirülmevlevî", cilt. I, 309-314.

³⁰ Kahraman, "Tâhirülmevlevî", cilt. 39, 407-409.

آموزشی برای زبان آموزان فارسی محسوب می شدند. بلکه طاهر المولوی با نگارش این متون، پیوندی عمیق میان عرفان مولوی و آموزش زبان فارسی برقرار ساخت و راه را نیز برای نسل های بعدی در این عرصه هموار کرد.^{۳۱}

۳. محمد ولد چلبی ایزبوداق

محمد ولد چلبی ایزبوداق در قونیه به دنیا آمد و از نسل مولانا جلال الدین بود. پس از به پایان رساندن تحصیلات ابتدایی، وارد مدرسه رشديه شد، اما پس از دو سال آنجا را ترک کرد و به مدرسه دینی سلطان ولد پیوست. علاقه اش به شعر و ادبیات که از دوران نوجوانی آغاز شده بود، تحت تأثیر یکی از مدرسان به نام عبدالرحمن صدقی افزایش یافت. وی زبان فارسی را نزد حاجی قاسم افندی بخارایی، و زبان عربی را نزد مفتی حاجی حسین افندی آموخت. در این دوران، ابتدا در درس های مثنوی خوانی حاجی ایوب افندی شرکت کرد و سپس از درس های مثنوی صدقی دده بهره مند شد. او در سال ۱۳۰۵ ق. / ۱۸۸۸ م. به استانبول رفت و در مولوی خانه بهاریه (بشیکتاش) سکونت گزید.^{۳۲} طی دو سال اقامت در آنجا، با مشایخ برجسته مولوی در استانبول و نیز با شخصیت هایی چون عثمان شمس افندی، شیخ صفی افندی و شماری از روشنفکران آن دوره از جمله احمد مدحت افندی، معلم ناجی و نجیب عاصم آشنا شد. به درخواست حسین فخرالدین دده در سال ۱۳۰۷ ق. / ۱۸۹۰ م. از وزیر داخله، مونیف پاشا، برای او در اداره مطبوعات داخلی شغلی در نظر گرفته شد. افزون بر این، به عنوان استاد زبان فارسی در مدرسه رشديه کاپیتان پاشا منصوب شد. پس از آن نیز با عنوان مأمور مکتوبات عربی و فارسی و مأمور بازرسی روزنامه «عنتر» شد.^{۳۳}

^{۳۱} اولغون، محمد طاهر (طاهر المولوی)، مثنوی درس لری، نسخه خطی کتابخانه سلیمانیه، شماره ثبت ۳۸۴۶۷۲؛

Kahraman, "Tâhirülmevlevî", cilt. 39, 407-409; Temizel, *Mevlâna Çevresindekiler, Mevlevîlik ve Eserleriyle İlgili Eski Harflî Türkçe Eserler*, 47-48.

^{۳۲} Kara, "İzbudak, Veled Çelebi", cilt. 23, 503-505.

^{۳۳} درباره زندگی و آثار محمد ولد چلبی ایزبوداق بنگرید به:

Kara, "İzbudak, Veled Çelebi", cilt. 23, 503-505.

محمد ولد چلبی ایزبوداق یکی از شخصیت‌های برجسته طریقت مولویه در دوره متأخر عثمانی بود که به دلیل دانش و مهارت خود در زبان و ادبیات فارسی، به مقام مثنوی‌خوانی در مولوی‌خانه ینی‌قاپی، یکی از مهم‌ترین مراکز طریقت مولویه در استانبول، دست یافت. وی علاوه بر انجام وظایف عرفانی و معنوی خود در مولوی‌خانه مذکور، در مراکز علمی و فرهنگی آن روزگار نیز به آموزش زبان فارسی پرداخت. در راستای ترویج و آموزش زبان فارسی، محمد ولد چلبی ایزبوداق اثری تألیف کرد با عنوان *لسان فارسی* که در حوزه دستور زبان فارسی نگاشته شده است. این کتاب نه تنها به عنوان منبع آموزشی در مولوی‌خانه‌ها و مدارس مورد استفاده قرار می‌گرفت، بلکه در گسترش زبان فارسی در میان طبقات مختلف جامعه عثمانی، به‌ویژه پیروان طریقت مولویه، نقش مؤثری ایفا کرد. تألیف چنین آثاری توسط شخصیت‌هایی مانند ایزبوداق نشان‌دهنده جایگاه والا و مستمر زبان فارسی در نظام تعلیم و تربیت مولوی‌خانه‌ها و همچنین استمرار نفوذ میراث ادبی مولویه در قلمرو عثمانی در سایه مولوی‌خانه‌ها به عنوان مرکز علمی و فرهنگی، حتی در دوره‌های پایانی حیات این دولت ادامه داشت.^{۳۴}

محمد ولد چلبی ایزبوداق، مؤلف کتاب *لسان فارسی*، در مقدمه اثر خود هدف و انگیزه اصلی از تألیف را فراهم آوردن بستری علمی و آموزشی برای علاقه‌مندان طریقت مولویه به‌منظور یادگیری زبان فارسی دانست، تا از این طریق بتوانند به مطالعه، فهم و درک ژرف‌تر آثار مولانا جلال‌الدین محمد رومی، به‌ویژه مثنوی معنوی و دیوان شمس تبریزی، پردازند. ایزبوداق بر این باور بود که زبان فارسی نه تنها زبان ادبیات و عرفان مولاناست، بلکه ابزار ضروری برای دستیابی به معارف بلند عرفانی و معنوی مولویه محسوب می‌شود. از این‌رو، تألیف *لسان فارسی* را گامی ضروری برای آموزش اصول دستور زبان فارسی به طالبان معرفت و مریدان

^{۳۴} درباره کتاب بنگرید به: ولد چلبی ایزبوداق، محمد، *لسان فارسی*، قونیه، نسخه خطی کتابخانه یوسف آغا، ۱۳۲۷؛

İzbudak, Tekke'den Meclise Sıradışı Çelebi'nin Hatıraları, 31, 58-59; Kara, "İzbudak, Veled Çelebi", 23/503-505.

طریقت مولویه تلقی می‌کرد. او در این اثر کوشیده است با بیانی روان و قابل فهم، اصول زبان فارسی را به گونه‌ای آموزش دهد که خواننده بتواند بدون نیاز به منابع پیچیده، به متون اصلی فارسی به‌ویژه آثار مولانا دسترسی یابد. بدین ترتیب، *لسان فارسی* نه فقط یک اثر صرفاً آموزشی، بلکه بخشی از میراث زبانی و عرفانی مولوی‌خانه‌هاست که با هدف پاسداشت زبان فارسی به عنوان زبان مقدس طریقت مولویه و انتقال مفاهیم بلند عرفانی به نسل‌های بعدی تألیف شده است.^{۳۵}

همچنین محمد ولد چلبی ایزبوداق، به منظور انتقال مؤثرتر میراث معنوی و عرفانی مولانا به جامعه عثمانی، اقدام به ترجمه‌ی مثنوی معنوی به زبان ترکی عثمانی نمود. این ترجمه، نه تنها دسترسی طیف وسیع‌تری از مخاطبان و نخبگان غیر فارسی‌زبان را به معارف مثنوی فراهم ساخت، بلکه نقش مهمی در گسترش آموزه‌های مولوی در ساختارهای آموزشی و فرهنگی دوره عثمانی ایفا کرد.^{۳۶}

۴. احمد رمزی آق‌یورک

احمد رمزی آق‌یورک از شاعران اواخر دوره عثمانی و آخرین شیخ مولوی‌خانه اسکدار است که در سال ۱۲۸۹ق./۱۸۷۲م. در قیصریه به دنیا آمد. او فرزند شیخ سلیمان عطاءالله افندی شیخ مولوی‌خانه قیصریه بود. او پس از پایان تحصیلات خود، در سال ۱۳۰۹ق./۱۸۹۲م. به استانبول رفت و پیرو شیخ جلال‌الدین افندی پوست‌نشین مولوی‌خانه ینی‌قاپی شد.^{۳۷} پس از یک سال به قیصریه بازگشت و معلم شد و در مولوی‌خانه‌ها و مدرسه‌ها به آموزش زبان فارسی و خواندن و تدریس آثاری فارسی همچون «پند عطار، گلستان و بوستان سعدی، عروض جامی و مثنوی معنوی مولانا» پرداخت. او سپس به مولوی‌خانه حلب رفت و پس از بازگشت به استانبول در سال ۱۳۳۷ق./۱۹۱۹م. شیخ مولوی‌خانه اسکدار شد.^{۳۸} پس از بسته شدن

^{۳۵} ولد چلبی ایزبوداق، *لسان فارسی*، ص ۴.

^{۳۶} Kara, "İzbudak, Veled Çelebi", 23/503-505; Akar, *Veled Çelebi İzbudak*, 79-80.

^{۳۷} و صاف، عثمان زاده حسین، *سفینه اولیاء آبرار*، نسخه خطی کتابخانه سلیمانیه، شماره ثبت ۳۴۵۴۸۲، ج ۵، ص ۲۴۰-۲۴۶.

^{۳۸} Mazioğlu, "Akyürek, Ahmed Remzi", 2/304-305.

مولوی‌خانه‌ها در سال ۱۳۴۳ق./۱۹۲۵م. احمد رمزی در کنار اشتغال در مراکز علمی فعالیت‌های علمی خود را پیش برد. احمد رمزی آق‌یورک جایگاه مهمی در گسترش و پاسداشت میراث ادبیات فارسی در دوره معاصر ترکیه دارد. وی نه تنها به تدریس زبان فارسی بر مبنای متون کلاسیکی همچون آثار سعدی و مولانا اهتمام ورزید، بلکه در تالیف آثاری با هدف آموزش و تسهیل فراگیری زبان فارسی نیز سهم بسزایی داشت. از جمله آثار مهم او می‌توان به کتاب *منظوم قواعد فارسی* اشاره کرد که در قالب شعر، قواعد زبان فارسی را به شکلی ساده و آموزنده به زبان‌آموزان معرفی می‌کند. همچنین، آثاری نظیر *مناجات حضرت مولانا و تحفه‌ی رمزی* از دیگر نوشته‌های ارزشمند او هستند. کتاب *تحفه‌ی رمزی*، در واقع نوعی فرهنگ لغت آموزشی به شمار می‌آید که برای زبان‌آموزان فارسی آن دوران تدوین شده بود تا بتوانند با سهولت بیشتری زبان فارسی را بیاموزند و درک عمیق‌تری از متون ادبی کلاسیک، به‌ویژه *مثنوی معنوی مولانا و بوستان و گلستان سعدی* پیدا کنند. اهمیت فعالیت‌های احمد رمزی آق‌یورک در زمینه حفظ و گسترش زبان فارسی در این است که او در دوران زوال رسمی زبان فارسی در نهادهای آموزشی اواخر دوره عثمانی نقش مهمی در حفظ و آموزش زبان فارسی ایفا کرد.^{۳۹}

۵. صدقی دده

صدقی دده (د. ۱۳۵۲ق./۱۹۳۷م.) آخرین مثنوی‌خوان آستانه مولانا در قونیه بود. در آستانه مولانا پس از طی سیر و سلوک به مقام دده‌ای رسید. پس از درگذشت طریقت‌چی ایوب دده در سال ۱۲۹۹ق./۱۸۸۲م.، به عنوان مثنوی‌خوان جانشین او شد. صدقی دده یکی از چهره‌های برجسته طریقت مولویه در دوره متأخر عثمانی بود که افزون بر مقام معنوی و طریقتی، از لحاظ علمی نیز دارای تخصص عمیقی در

^{۳۹} آق‌یورک، *تحفه رمزی*، ص ۱-۴۸؛ و صاف، *سفینه اولیاء ابرار*، ج ۵، ص ۲۴۰-۲۴۶.

Temizel, *Mevlâna Çevresindekiler, Mevlevîlik ve Eserleriyle İlgili Eski Harfli Türkçe Eserler*, 43-44; Mazioğlu, "Akyürek, Ahmed Remzi", 2/304-305.

حوزه‌های ادبیات عربی و فارسی به شمار می‌رفت.^{۴۰} وی در آموزش زبان فارسی و حفظ میراث ادبی آن نقش فعالی ایفا کرد و در همین راستا آثاری از خود به جا گذاشت که نشان‌دهنده تلاش او برای تداوم پیوندهای فرهنگی میان فارسی‌زبانان و ترک‌زبانان است. همچنین او در خوشنویسی دستی قوی داشت و اشعار مولانا را خوشنویسی می‌کرد.^{۴۱} از جمله آثار مهم صدقی دده می‌توان به کتاب برگ سبز مولویه اشاره کرد که اثری آموزشی در زمینه دستور زبان فارسی است. این اثر به منظور آموزش ساختار و قواعد زبان فارسی که رویکردی کاربردی و آموزشی دارد. علاوه بر آن، صدقی دده فرهنگ لغتی نیز تألیف کرده است که از فارسی به ترکی عثمانی ترجمه شده و مشتمل بر ۳۰ تا ۴۰ دفتر (جزوه یا مجلد) است. این مجموعه که احتمالاً به صورت دست‌نویس یا نسخه‌های محدود در میان شاگردان و اهل طریقت رواج داشته، گواهی بر دایره‌المعارف‌گونه‌ی دانش زبانی او و علاقه‌اش به گسترش زبان فارسی در میان مولویان و مولانا دوستان است. فعالیت‌های علمی صدقی دده نه تنها در خدمت طریقت مولویه جایگاهی ویژه دارد. آثار او به‌ویژه در دوره‌ای که زبان فارسی در حال عقب‌نشینی از نهادهای رسمی بود، نقشی مؤثر در استمرار آموزش و فهم زبان و ادب فارسی ایفا کردند. همچنین، متون خطبه‌هایی که در مسجد سلطان سلیم دوم ایراد کرده بود نیز از آثار اوست. او در خطوط جلی و تعلیق استاد بود و برخی از آثارش در موزه مولانا موجود است.^{۴۲}

نتیجه‌گیری

بررسی جایگاه مولویان در حفظ زبان فارسی در دوره عثمانی نشان می‌دهد که طریقت مولویه نه تنها یک نهاد صوفیانه و معنوی بود، بلکه به عنوان یک مرکز فرهنگی و آموزشی، نقش مؤثری در صیانت و ترویج زبان فارسی ایفا کرد. زبان

^{۴۰} گولپینارلی، مولویه پس از مولانا، ص ۴۹۱.

^{۴۱} Özönder, *Mevlevilik'te Hat ve Hattat Sıdkı dede*, 582-594.

^{۴۲} Şimşekler, *Konya'dan Dünya'ya Mevlâna Ve Mevlevilik*, 220.

فارسی، به سبب آنکه زبان اصلی آثار مولانا جلال‌الدین رومی بود، در مولوی‌خانه‌ها جایگاهی ویژه یافت و آموزش آن به یک سنت پایدار بدل شد. فعالیت‌هایی چون سنت مثنوی‌خوانی، تدریس متون کلاسیک فارسی، تألیف آثار آموزشی و دستور زبانی، و حتی ترجمه متون عرفانی، ابزارهایی بودند که مولویان برای پاسداشت زبان فارسی به‌کار گرفتند. در این میان، شخصیت‌هایی چون شیخ اسماعیل رسوخی آنقروی در دفاع از مثنوی و زبان فارسی در برابر حملات قاضی‌زاده‌لی‌ها، و دیگر مشایخ و اندیشمندانی همچون محمد اسعد دده، طاهر المولی، محمد وکد چلبی ایزبوداق و احمد رمزی آق‌یورک، با تألیف آثار علمی و آموزشی، به اهمیت زبان فارسی در درک بهتر آثار مولانا تأکید کردند. بدین‌ترتیب، زبان فارسی در پرتو تلاش‌های مولویان نه‌تنها در حوزه طریقت و معنویت، بلکه در بستر فرهنگ، آموزش و ادب عثمانی استمرار یافت.

منابع

- اسرار دده، تذکره، استانبول، کتابخانه سلیمانیه، ۱۲۴۶.
- اسرار دده، دیوان، نسخه خطی کتابخانه سلیمانیه، استانبول، تقویم وقایع مطبعه‌سی، ۱۲۵۷.
- اسعد دده، محمد، نمونه قواعد، استانبول، کتابخانه سلیمانیه، ۱۳۰۸.
- آق‌یورک، احمد رمزی، تاریخچه اقطاب، دمشق، الترقی مطبعه‌سی، ۱۳۳۴.
- آق‌یورک، احمد رمزی، تحفه رمزی، استانبول، امنیّت مطبعه‌سی، ۱۳۴۴.
- آنقروی، اسماعیل رسوخی، جامع‌الآیات، نسخه خطی کتابخانه سلیمانیه، شماره ثبت ۵۷۲۴۲۷.
- آنقروی، اسماعیل رسوخی، شرح حدیث اربعین، نسخه خطی کتابخانه سلیمانیه، شماره ثبت ۴۰۷۱۹.
- اوزون چارشلی، اسماعیل حقی، تاریخ عثمانی. ترجمه وهاب ولی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸.
- اولغون، محمد طاهر (طاهر المولی)، مثنوی درس‌لری، نسخه خطی کتابخانه سلیمانیه، شماره ثبت ۳۸۴۶۷۲.
- آیدین، شادی، عناصر فرهنگ و ادب ایرانی در شعر عثمانی (از سده نهم تا دوازدهم ق.)، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵.
- بروسه‌لی، محمدطاهر، عثمانلی مؤکف‌لری، استانبول، مطبعه عامره، ۱۳۳۳.
- حافظ، دیوان.

- ستایشگر، مهدی، رباب رومی (مولانا و موسیقی)، تهران، هنر موسیقی، چاپ چهارم، ۱۳۹۲.
- شیخی، محمد، وقایع الفضلاء، استانبول، نسخه خطی کتابخانه سلیمانیه، شماره ثبت ۶۵۳۴۲۱.
- قاضی زاده، محمد افندی، علم حال، استانبول، نسخه خطی کتابخانه سلیمانیه، شماره ثبت ۸۴۷۱۴.
- کاتب چلبی، مصطفی، فالکله، استانبول، مطبعه جریده حوادث، ۱۲۸۷.
- کاتب چلبی، مصطفی، میزان الحق فی اختیار الأحق، استانبول، مطبعه علی رضا افندی، ۱۲۸۶.
- گلشنی، عبدالکریم، فرهنگ ایران در قلمرو ترکان، شیراز، چاپخانه مصطفوی، ۱۳۵۴.
- گولپینارلی، عبدالباقی، مولویه پس از مولانا، ترجمه توفیق سبحانی، تهران، نشر کیهان، ۱۳۶۶.
- نعیم، مصطفی، تاریخ نعیم، بی جا، ۱۲۸۱.
- وصاف، عثمان زاده حسین، سفینه اولیاء ابرار، نسخه خطی کتابخانه سلیمانیه، شماره ثبت ۳۴۵۴۸۲.
- ولد چلبی ایزبوداق، محمد، لسان فارسی، قونیه، نسخه خطی کتابخانه یوسف آغا، ۱۳۲۷.
- Akar, Metin. *Veled Çelebi İzbudak*. Ankara: Türk Dil Kurumu, 1999.
- Ankaravi, İsmail. *Şerh-i Ehadis-i Erbain-Hadislerle Tasavvuf ve Mevlevi Erkanı*. haz. Semih Ceyhan. İstanbul: Dârulhadis, 2001.
- Arpaguş, Safi. *Mevlevilikte Ma'nevi Eğitim*. İstanbul: Vefa Yayınları, 2009.
- Bilkan, Ali Fuat. *Fakihler ve Sofuların Kavgası 17. Yüzyılda Kadızadeliler ve Sivasiler*. İstanbul: İletişim Yayınları, 2016.
- Ceyhan, Semih. *İsmail Ankaravi ve Mesnevi Şerhi*, Doktora Tezi, Danışman: Mustafa Kara, Bursa: Uludağ Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Temel İslam Bilimleri Anabilim Dalı, Tasavvuf Bilim Dalı, 2005.
- Elibol, Turgut. *Mevlâna ve Mevlevilik*, Konya: Sıradaşı Akademi Yayınları, 1. Baskı, 2012.
- Ergin, Osman. *Türk Maarif Tarihi*, İstanbul: Eser Neşriyat, 1977.
- İzbudak, Veled Çelebi. *Tekke'den Meclis'e-Sıradışı Bir Çelebi'nin Anıları*. hz: Yakup Şafak, Yusuf Öz. İstanbul: Timaş Yayınları, 2009.
- Kahraman, Alim. "Tâhirül-mevlevî". *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*. 39/407-409. İstanbul: TDV Yayınları, 2010.
- Kara, Mustafa. "İzbudak, Veled Çelebi", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*. 23/501-505. İstanbul: TDV Yayınları, 2001.
- Mazioğlu, Hasibe. "Akyürek, Ahmed Remzi", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*. 2/304-305. İstanbul: TDV Yayınları, 1989.
- Okay, Orhan. "Osmanlı'da Mesnevihanlık Geleneği ve Son Mesnevihanlardan Tahirül-mevlevî", *Millî Mevlânâ Kongresi: Tebliğler* (haz. Haşim Karpuş vd.), Konya, 2002.
- Ösen, Serdar. "Türk Eğitim Tarihi İçerisinde Mevlevîhanelerin Yeri". *Türk Tarih Eğitimi Dergisi* 4/2 (2015).

- Özer, Murat. *Mevlevîlik Kültürü*. İstanbul: Başakşehir Belediyesi Yayınları, 2015.
- Özönder, Hasan. "Mevlevîlik'te Hat ve Hattat Sıdkı Dede", *Tasavvuf Kitabı*, hz: Cemil Çiftçi. İstanbul: Bayrak Matbaası, 2003.
- Şimşekler, Nuri. *Konya'dan Dünya'ya Mevlâna ve Mevlevîlik*, Konya: Karatay Belediyesi Yayınları, 2002.
- Tatcı, Mustafa - Kurnaz, Cemal. "Mehmed Esad Dede", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*. 28/469-470. Ankara: TDV Yayınları, 2003.
- Temizel, Ali. *Mevlâna Çevresindekiler, Mevlevîlik ve Eserleriyle İlgili Eski Harfli Türkçe Eserler*, Konya: Selçuk Üniversitesi Mevlâna Araştırma ve Uygulama Merkezi Yayınları, 2009.
- Tonga, Aydın. *Osmanlı'nın Paralel Devleti Kadızadeliler*, İstanbul: Doğu Kitabevi, 2017.
- Yurdaydın, Hüseyin. "Türkiye'nin Din Tarihine Umumi Bir Bakış". *Ankara Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi*, IX (1961), 109-120.